

ملار جبعلی در مقابل ملاصدرا در بحث وجود ذهنی

علی کرباسی‌زاده اصفهانی^۱ / فریده کوهرنگ بهشتی^۲ / سنا جوانمردی^۳

چکیده

آگاهی انسان به دو گونه می‌باشد: آگاهی او یا به وجود خویش است و یا به امور غیر از ذات خویش. این‌که انسان چگونه به امور خارج از خود علم می‌یابد یکی از مسائل مهم و دشوار فلسفی است که در ذیل مباحث معرفت‌شناسی قرار دارد. اگرچه این مساله در طول تاریخ فلسفه، اعم از غرب و شرق مطرح بوده و ذهن فلاسفه را به خود مشغول داشته، اما همواره هم‌چون مشکلی لاینحل می‌نمود تا این‌که ملاصدرا اصطلاح وجود ذهنی را وضع کرد و این چنین مساله را حل شده پنداشت. فلاسفه‌ی پیش از وی علم و تصورات را عارض بر ذهن می‌دانستند، حال آنکه ملاصدرا قائل بود که نفس انسان خلاق است و می‌تواند وجود خارجی را از ماهیات موجود در خارج سلب کرده و عیناً در خود بسازد و به آن‌ها وجود ذهنی بدهد. در مقابل ملاصدرا، فیلسوف شناخته شده‌ی مکتب فلسفی اصفهان، ملارجبعلی که جریان فکری دیگری را در همین مکتب هدایت می‌کرد قرار داشت. وی به عنوان یک فیلسوف تنزیهی با دغدغه‌های کلامی، هیچ‌یک از مبانی، آراء و ادله‌ی فلسفه‌ی ملاصدرا را نمی‌توانست بپذیرد و سعی در ردّ آن‌ها داشت؛ چراکه حکمت متعالیه‌ی صدرایی را منافی آیات و روایات می‌دانست. از جمله‌ی این مسائل، مسئله‌ی وجود ذهنی می‌باشد. در واقع حکیم رجبعلی تبریزی یکی از منکران سرسخت قول به نظریه‌ی وجود ذهنی بود و در رساله‌ی «اصول آصفیه» اشکالاتی بر آن وارد نمود. در این نوشتار به بررسی آراء و ادله‌ی ملاصدرا در اثبات وجود ذهنی، انتقادات ملارجبعلی به این بحث و پاسخ‌هایی که در فلسفه‌ی صدرا به این انتقادات داده می‌شود می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: مکتب فلسفی اصفهان، ملاصدرا، ملارجبعلی تبریزی، وجود ذهنی، علم.

-
- ۱ - استادیار گروه فلسفه دانشگاه اصفهان
 - ۲ - کارشناس ارشد فلسفه غرب دانشگاه اصفهان
 - ۳ - کارشناس ارشد فلسفه غرب دانشگاه اصفهان